



Fair Trial in the Article 100 Commission of the Municipalities Law

Mehrang Sharaj Sharifi¹, Mehdi Shabannia Mansour^{2*}, Mohammad Javad Rezaeizadeh³

1. PhD Student in Public Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor Department of Public Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 85-100

Article history:

Received: 14 Feb 2022

Edition: 28 Mar 2022

Accepted: 19 Jun 2022

Published online: 24 Sep 2022

Keywords:

Fair Trial, Article 100 Commission of Municipalities, Openness of Trial, Impartiality, Appeal

Corresponding Author:

Mehdi Shabannia Mansour

Address:

Department of Public Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-7763-594X

Tel:

09126711006

Email:

Mehdi.shabannia@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The Article 100 Commission of the Municipalities Law is one of the most important specialized administrative authorities, whose votes have important financial effects and consequences. The issue of trial in the mentioned commission is one of the important issues that have been attempted to be investigated in this paper.

Materials and Methods: This paper is descriptive-analytical and the library method is used.

Ethical considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Results: A fair trial is not observed in the Article 100 Commission of the Municipalities Law in some respects. Lack of independence and impartiality of the members of the Article 100 Commission is one of the cases of non-observance of fair trial in the mentioned commission. Open investigations, as a fundamental guarantee of fairness, are also a support tool for public trust and the judiciary, which is not observed in the Article 100 Commission. Moreover, the impossibility of the presence of the litigant and the lack of specific procedure rules and the observance of related formalities are in conflict with the rights of the litigants and are contrary to the principles of fair trial.

Conclusion: It is necessary to change the rules and regulations of investigations in the Article 100 Commission and consider the principles of independent procedure rules for investigating violations in this commission. For the independence of judges, strategies need to be taken into consideration to minimize the financial and employment dependence of judges in charge of municipalities. Investigations should be conducted in public and in person so that the litigants have the right to a fair defense and the rights of individuals are prevented from being violated.

Cite this article as:

Sharaj Sharifi M, Shabannia Mansour M, Rezaeizadeh MJ. Fair Trial in the Article 100 Commission of the Municipalities Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(3):85-100.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

دادرسی منصفانه در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری

مهرنگ شرح شریفی^۱، مهدی شعبان‌نیا منصور^{۲*}، محمد جواد رضائی‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کمیسیون ماده صد قانون شهرداری از مهم‌ترین مراجع اختصاصی اداری است که آراء آن آثار و پیامدهای مالی مهمی به دنبال دارد. بحث دادرسی در کمیسیون مذکور از موضوعات مهمی است که تلاش شده در این مقاله بررسی شود. **مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: دادرسی منصفانه در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری از برخی جهات رعایت نمی‌شود. عدم استقلال و بی‌طرفی اعضای کمیسیون ماده صد از حمله موارد عدم رعایت دادرسی منصفانه در کمیسیون مورد اشاره است. همچنین رسیدگی علنی به‌عنوان یک تضمین اساسی برای عادلانه بودن، ابزاری حمایتی برای اعتماد عمومی و نظام قضائی است که در کمیسیون ماده صد رعایت نمی‌شود. علاوه بر این، عدم امکان حضور طرف دعوی و فقدان قواعد مشخص آیین دادرسی و رعایت تشریفات مربوط به آن با حقوق طرفین دعوی منافات داشته و مخالف اصول دادرسی منصفانه است.

نتیجه: لازم است، قوانین و مقررات رسیدگی در کمیسیون ماده صد تغییر و اصول آیین دادرسی مستقلی برای رسیدگی به تخلفات در این کمیسیون مدنظر قرار گیرد. در جهت استقلال قضات می‌بایست راهکارهایی اندیشیده شود تا وابستگی مالی و استخدامی قضات رسیدگی‌کننده به شهرداری‌ها به حداقل ممکن برسد. رسیدگی‌های به‌صورت علنی و حضوری صورت گیرد تا اصحاب دعوی دارای حق دفاع منصفانه باشند و از تضییع حقوق اشخاص جلوگیری گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۰-۸۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

واژگان کلیدی:

دادرسی منصفانه، کمیسیون ماده صد شهرداری، علنی بودن دادرسی، بی‌طرفی، تجدیدنظرخواهی.

نویسنده مسوول:

مهدی شعبان‌نیا منصور

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، گروه حقوق عمومی.

تلفن:

۰۹۱۲۶۷۱۱۰۰۶

کد ارایه:

0000-0002-7763-594X

پست الکترونیک:

Mehdi.shabannia@gmail.com

۱. مقدمه

مراجع اختصاصی اداری به موازات دادگاه‌ها به حل و فصل اختلافات می‌پردازند. کمیسیون ماده صد شهرداری‌ها از جمله مراجع اختصاصی اداری است که همواره اقدام به صدور آراء و احکامی در زمینه تخلفات ساختمانی شهروندان می‌نماید. آراء مراجع و کمیسیون‌های اختصاصی اداری مانند کمیسیون ماده صد قانون شهرداری، گاه دارای پیامدهای بسیار سنگین است، به طوری که با عدم رعایت دادرسی منصفانه می‌توان گفت حقوق این دسته افراد تضییع می‌شود. این در حالی است که لزوم رسیدگی به پرونده‌های قضائی در پرتو اصول دادرسی منصفانه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق بشری، در گفتمان جدید حقوق عمومی مطرح شده است. لازم است کمیسیون‌هایی چون کمیسیون ماده صد شهرداری در سیر رسیدگی خود ملتزم به اصول بنیادینی باشد که به‌عنوان اصول دادرسی منصفانه شناخته می‌شود. این امر زمانی اهمیت می‌یابد که دقت شود کمیسیون‌های اختصاصی در جایگاه دولت، سازمان‌های دولتی و یا نهادهای غیردولتی و یا هر نهاد، ارائه‌کننده خدمات عمومی هستند و به دعاوی‌ای رسیدگی می‌کنند که خود معمولاً یک طرفه قضیه قرار دارند و در طرف دیگر شهروندانی قرار دارند که نیازمند حمایت و تضمین حقوقشان بوده و به دنبال رعایت این اصول از طرف کمیسیون ماده صد شهرداری هستند تا حقوق از دست رفته خویش را بازیابند. بدیهی است عدم رعایت هر یک از اصول دادرسی منصفانه در کمیسیون ماده صد شهرداری مزبور غیرعادلانه

بوده و منجر به تضییع حقوق طرفین دعوی بالأخص شهروندان می‌باشد چرا که طرف دیگر از امتیاز قدرت عمومی و از امکانات و حقوق بیشتری در مقایسه با فرد برخوردارند. داشتن دادرسی منصفانه و عادلانه، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اعتبار دستگاه قضایی در هر نظام حقوقی می‌باشد و از آنجا که امکان استناد صریح و مستقیم به انصاف و عدالت در دادرسی‌ها وجود ندارد لذا باید عدالت و انصاف را با رعایت خصوصیات دادرسی منصفانه و به بیان دیگر رعایت اصول حاکم بر دادرسی منصفانه تضمین کرد. درخصوص کمیسیون ماده صد شهرداری تألیفات متعددی انجام شده است: محمد نرگسیان و اسفندیار نظری، در مقاله‌ای به بررسی کمیسیون ماده صد قانون شهرداری‌ها، چالش‌های موجود و راهکارهای برون‌رفت از آن با تکیه بر آرای دیوان عدالت اداری پرداخته‌اند (نرگسیان و نظری، ۱۴۰۰). در مقاله مورد اشاره به بررسی کمیسیون ماده صد از جهت آراء دیوان عدالت اداری درخصوص این کمیسیون بحث شده اما در مقاله حاضر بر دادرسی منصفانه تمرکز شده است. امید محمدی در کتابی، کمیسیون‌های شهرداری شامل کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری، کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری را بررسی کرده است (محمدی، ۱۳۹۶). همچنین فرشاد غفوری و آیدا جعفری، در کتابی، کمیسیون ماده صد قانون شهرداری و عملکرد آن در نظام حقوقی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند (غفوری و جعفری، ۱۳۹۷). اما بحث دادرسی منصفانه در

کمیسیون ماده صد قانون شهرداری مورد اشاره است. همچنین رسیدگی علنی به‌عنوان یک تضمین اساسی برای عادلانه بودن، ابزاری حمایتی برای اعتماد عمومی و نظام قضائی است که در کمیسیون ماده صد رعایت نمی‌شود. علاوه بر این، عدم امکان حضور طرف دعوی و فقدان قواعد مشخص آیین دادرسی و رعایت تشریفات مربوط به آن با حقوق طرفین دعوی منافات داشته و مخالف اصول دادرسی منصفانه است.

۵. بحث

۵-۱. دادرسی منصفانه

«دادرسی» حاصل مصدر مرکب از واژه «داد» است (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱، ۱۲۰). که برای «محاکمه» به کار می‌رود (کیانوش، ۱۳۸۱، ۲۵۸). واژه «داد»، به معنای عدالت، قسط و قانون آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱). «به داد رسیدن» به معنی رفع ظلم کردن است (انوری، ۱۳۸۳، ۵۱۴). واژه «رسی» نیز به معنای وصول، یا حصول چیزی به کسی است (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱، ۱۴۷۱). یا واریسی، دقت و تحقیق در امری (عمید، ۱۳۷۹، ۲، ۱۰۴۳). با توجه به این معانی دادرسی می‌تواند دو معنا داشته باشد: یکی «وصول عدل و قسط به کسی و یا رفع ظلم از او» و دیگری «رساندن یا اعمال قانون». واژه «منصفانه» نیز به معنای «بی‌ریا و از روی راستی و صداقت» آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱، ۱۰۴۳). لذا می‌توان گفت «دادرسی منصفانه» در لغت به معنی «وصول عدل و قسط به کسی یا رفع ظلم از

کمیسیون ماده صد قانون شهرداری مورد توجه قرار نگرفته و در این مقاله تلاش شده به این مهم پرداخته شود. سؤال اساسی که در این مقاله مطرح و بررسی می‌شود این است که اصول دادرسی منصفانه در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری چه جایگاهی دارد؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل صرح است که «دادرسی منصفانه در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری دارای نارسایی مانند عدم حضور طرف دعوی و علنی نبودن جلسه دادرسی است». به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مفهوم دادرسی منصفانه و سپس کمیسیون ماده صد شهرداری بررسی شده است. سپس به دادرسی در مراجع اختصاصی اداری پرداخته شده و در نهایت به بررسی جایگاه اصول دادرسی منصفانه در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری پرداخته شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

دادرسی منصفانه در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری از برخی جهات رعایت نمی‌شود. عدم استقلال و بی‌طرفی اعضاء کمیسیون ماده صد از حمله موارد عدم رعایت دادرسی منصفانه در

منصفانه یا عادلانه عبارت است از «دادرسی که در آن حق دادخواهی شهروندان تأمین و رسیدگی در دادگاهی مستقل و بی‌طرف با رعایت همه تضمینات حقوق دفاعی انجام شده و رأی دادگاه به‌منظور رساندن داد به دادخواه به‌طور مؤثر اجرا شده است» (محسنی، ۱۳۹۱، ۲۰۰). براساس آنچه گفته شد، دادرسی منصفانه، دربردارنده قواعد و اصولی است که لازم است از ابتدا و تا انتهای رسیدگی و دادرسی به منظور تحقق عدالت، رعایت گردد. این اصول که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، مواد ۸-۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ به‌عنوان یکی از حقوق شناخته شده بشر پیش‌بینی شده است، مواردی چون حق دسترسی به قاضی، استقلال و بی‌طرفی قاضی، علنی بودن رسیدگی، حق رسیدگی به دعوی در مهلت منطقی و معقول و حق تجدیدنظرخواهی را شامل می‌شود.

۵-۲. کمیسیون ماده صد قانون شهرداری

قضات دادگاه‌های عمومی دادگستری براساس منطوق و مفهوم قانونی و به استناد دلایل ارائه شده از سوی طرفین دعوا به اختلاف مطروحه رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌نمایند و ملاحظات حقوقی مؤثرترین عامل در سرنوشت پرونده‌های قضایی می‌باشد (هداوند، ۱۳۷۸، ۹۲). این قضات شناخت کافی از ویژگی خاص دعاوی اداری و مقتضیات اداری و توجه کافی به منافع عمومی ندارند و به

او از روی راستی و صداقت» یا «اعمال قانون از روی راستی و صداقت» می‌باشد.

معنای اصطلاحی «دادرسی» از معنای لغوی آن دور نمانده است. با نگاهی به آثار اساتید حقوق دادرسی، مشاهده می‌شود که ایشان فقط به تعریف «آیین دادرسی» اکتفا نموده‌اند (شمس، ۱۳۹۴، ۱، ۱۳؛ متین دفتری، ۱۳۹۴، ۱۵). این در حالی است که «دادرسی» متمایز از «آیین دادرسی» می‌باشد که از دید برخی اساتید مغفول نمانده است (مهاجری، ۱۳۹۲، ۱، ۲۶). «دادرسی» در اصطلاح به معنای رسیدگی برای حکم کردن و قضاوت است. در مورد قضاوت گفته شده است: «قضاء، حکمی است که از طرف دادرس برای رفع منازعه و مخاصمه بین افراد صادر می‌شود» (سنگلجی، ۱۳۶۹، ۱۷) و «آیین دادرسی» راه و روش این نوع رسیدگی می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۲۷۳) که به نظر برخی اساتید، این تعریف بیشتر به آیین دادرسی مربوط است تا به کلمه دادرسی (مهاجری، ۱۳۹۲، ۱، ۲۷). برخی دیگر گفته‌اند: در حقوق، «دادرسی» می‌تواند هم به معنای «وصول عدل و قسط به کسی و یا رفع ظلم از او» باشد (فضائلی، ۱۳۸۷، ۴۷). و هم به معنای «رساندن یا اعمال قانون، به‌طور کلی، و حکم به‌طور خاص، در موضوع مورد اختلاف»؛ رفتن از «دادخواهی» به سمت «رأی» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ۶، ۲۶۹). به همین دلیل، تدوین آیین دادرسی مدنی ضروری است (محسنی، ۱۳۹۳، ۳۵-۳۶). «منصفانه» صفتی است برای دادرسی که دارای خصوصیات منصفانه نبوده می‌باشد و گفته شده دادرسی

تجدیدنظر) و شیوه صدور رأی با یکدیگر تفاوتی ندارد.

مراحل رسیدگی به تخلفات ساختمانی و طرح در کمیسیون ماده ۱۰۰ به این صورت است که بعد از شناسایی تخلف و اعلام به کمیسیون توسط شهرداری و یا ناظر ساختمان، پرونده تخلف تشکیل می‌شود که شامل گزارش مأمور شهرداری از محل عملیات، تعیین موقعیت مکانی ملک، تعیین موقعیت در محدوده یا حریم شهر بودن ملک، رعایت یا عدم رعایت بره‌های اصلی و یا تجاوز به معبر، رعایت اصول فنی و استحکام بنا و اصول بهداشتی و شهرسازی، تعیین اینکه ساختمان فعلاً در چه مرحله‌ای است، سابقه اقدامات شهرداری در رابطه با تخلف و دفاعیات کتبی ذینفع می‌باشد و سپس پرونده توسط دبیرخانه کمیسیون به کمیسیون ماده ۱۰۰ ارجاع داده می‌شود. موضوع تخلف به مالک اعلام می‌شود با ذکر این مطلب که می‌تواند توضیحات و دفاعیات خود را کتباً حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز به دبیرخانه کمیسیون ارسال نماید. پرونده در کمیسیون ماده صد بررسی و رأی توسط اعضای آن صادر می‌شود. رأی کمیسیون اول به مالک ابلاغ شده و ذینفعان می‌توانند از تاریخ ابلاغ رأی حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز کتباً به آن رأی اعتراض نمایند و پس از گذشت مدت مذکور رأی توسط دبیرخانه کمیسیون قطعی اعلام خواهد شد. اعتراض در کمیسیون دوم مطرح و رأی قطعی صادر می‌گردد. بعد از ابلاغ رأی قطعی به مالک، رأی قطعی اجرا می‌شود.

فرض رسیدگی آن‌ها به این دعاوی به شیوه رسیدگی معمول در دادگاه‌های عمومی، تصمیمات متخذه، به دلیل عدم شناخت کافی از مقتضیات اداری، مطابق و متناسب با اصول حقوق عمومی، منافع عمومی و خصوصیات ویژه این دعاوی نخواهد بود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۹، ۴۲۱). از طرفی ویژگی خاص دعاوی اداری که مرتبط با ارایه خدمات عمومی به شهروندان است نیازمند رسیدگی سریع و عاری از تشریفات پیچیده می‌باشد (امامی، ۱۳۸۳، ۹۹) لذا نیاز به تأسیس مراجعی است که اعضا آن در رسیدگی به دعاوی، با شناخت قبلی از این موارد، آن‌ها در تصمیمات خود مورد ملاحظه و توجه قرار بدهند. دستگاه‌های اجرایی و حتی سازمان‌های حرفه‌ای در انجام فعالیت‌های خود در جهت تأمین منافع عمومی و خدمات عام‌المنفعه از قدرت عمومی برخوردار بوده و تصمیمات و اقدامات خود را بر مبنای مقتضیات اداری و اجرایی اتخاذ می‌نمایند. کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، از جمله این نهادهای تخصصی است که اعضای آن عبارت‌اند از: یکی از اعضا انجمن شورای شهر به انتخاب شورای شهر، نماینده وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری. تشکیل جلسات کمیسیون ماده صد فقط با حضور هر سه نفر عضو، رسمیت می‌یابد و آراء صادره با نظر اکثریت (دو عضو) معتبر است. بنابراین چنانچه یکی از اعضا نظر متفاوتی از دو عضو دیگر داشت، صورت جلسه را امضا و نظر خود را درج می‌نماید. رسمیت جلسات کمیسیون اول و دوم (بدوی و

حقوق‌های بشری، در گفتمان جدید حقوق عمومی مطرح شده است. در این قسمت تلاش شده به بررسی جایگاه دادرسی منصفانه در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری پرداخته شود. برای بهره‌مندی از یک دادرسی منصفانه آنچه قبل از هر چیز ضروری به نظر می‌رسد حق دسترسی به دادگاه و قاضی است که اعم از حق اقامه‌ی دعوا و حق اعتراض می‌باشد. نظام‌های حقوقی موظف خواهند بود تا در جهت فراهم نمودن مقدمات برای برخورداری از چنین حقی اقدام نمایند. مقررات قانونی یا آیین‌نامه‌ای نباید به گونه‌ای باشند که به نحوی از انحاء مانع برخورداری از این حق گردد و یا به علت ابهام، اجازه اقامه دعوی را به شخص ندهد.

در نظام حقوقی ایران دسترسی به دادخواهی در اصل ۳۴ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. مطابق اصل مذکور: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». براساس اصل مورد اشاره، کمیسیون ماده صد شهرداری باید در دسترس همه اشخاص باشند (گرچی، ۱۳۸۸، ۳۴). بدین معنا که هر یک از شهروندان در صورت گزارش شهرداری بتوانند در شهر خود به آن‌ها مراجعه کنند. در ماده صد قانون شهرداری در این خصوص سخنی به میان نیامده است اما به نظر می‌رسد حق دادرسی در کمیسیون

مراجع اختصاصی اداری که توسط قانون‌گذار عادی و به موجب قانون خاصی برای رسیدگی به شکایات و حل و فصل اختلافات مابین دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های حرفه‌ای و افراد در خصوص موضوعات آن قانون تأسیس می‌گردند، خارج از مراجع و سازمان قضایی شکل می‌گیرند (هداوند، ۱۳۷۸، ۳۳) البته باید توجه داشت که رسیدگی به دعاوی مربوط به اعمال تصدی نهادهای عمومی، در صلاحیت دادگاه‌های عمومی بوده و آن نهادها در خصوص اعمال مذکور ممکن است در محاکم عمومی نیز طرف دعوا قرار بگیرند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ۳، ۳۵۹). اما شکایات و دعاوی ناشی از اعمال متکی به امتیازات قدرت عمومی منحصراً در مراجع اختصاصی اداری مورد رسیدگی و حکم قرار می‌گیرند.

۵-۳. جایگاه دادرسی منصفانه در کمیسیون

ماده صد قانون شهرداری

دادرسی منصفانه دارای اصول ماهوی و شکلی متعددی است. حق دادرسی و حضور در دادرسی، علنی بودن دادرسی، استقلال و بی‌طرفی، حق مهلت دفاع معقول و منطقی و تجدیدنظرخواهی از مهم‌ترین دادرسی منصفانه است که در این قسمت تلاش شده به بررسی جایگاه این اصول در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری پرداخته شود.

۵-۳-۱. حق دادرسی و حضور در دادرسی

لزوم رسیدگی به پرونده‌هایی قضایی در پرتو اصول دادرسی منصفانه به عنوان یکی از مهم‌ترین

مورد اشاره مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی پذیرفته شده است. همچنین، مدعی علیه باید از این حق بهره‌مند شود که در جلسه دادرسی حضور داشته و دفاعیات خود را ارایه کند. اصل بر دادرسی حضوری است و طرفین لازم است از حق حضور در جلسه دادرسی برخوردار شوند. البته هر یک از طرفین می‌تواند از این حق صرف‌نظر کرده و به جای حضور در جلسه دادرسی به ارسال لایحه اکتفا نماید. اما رسیدگی در کمیسیون‌های ماده صد قانون شهرداری غیرحضوری بوده و تشخیص لزوم حضور طرفین در جلسات رسیدگی‌ها به عهده مرجع رسیدگی نهاده شده است. عدم حضور ذینفع در جلسه رسیدگی مخالف اصول دادرسی منصفانه است.

۵-۳-۲. علنی بودن رسیدگی

علنی بودن دادرسی یکی از عناصر دادرسی منصفانه تلقی می‌شود (مولی، ۲۰۰۶، ۲۱). از علنی بودن دادرسی دو معنا قابل برداشت است: نخست آنکه همگان بتوانند در جریان جلسه دادرسی قرار گرفته و در صورت لزوم در جلسه دادرسی حضور پیدا کنند و معنای دوم اینکه رأی صادر شده و اسناد و مدارکی که براساس آنها، رأی صادر شده است در اختیار عموم قرار گیرد. علنی بودن رسیدگی‌ها متضمن نظارت مستمر همگانی بر روند رسیدگی‌ها و اعمال مراجع حل اختلاف و اطلاع عموم از صحت و سقم رسیدگی‌ها و تصمیمات آن مراجع و در نتیجه الزام مراجع به دقت در عمل به

وظایف خود و رعایت حقوق افراد در رسیدگی منصفانه می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۲، ۴۰۹). ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، به علنی بودن دادرسی تصریح نموده بود ولی، در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹، اشاره‌ای به آن دیده نمی‌شود. با وجود این، تکلیف علنی بودن دادرسی در اصل ۱۶۵ قانون اساسی منصوص گردیده و این ویژگی بنیادی دادرسی‌ها در حقوق ما از ارزش حقوق اساسی برخوردار است. اصل اخیر در این باره مقرر می‌دارد: «محاکمت، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». علنی بودن نتیجه دادرسی را می‌توان از واژه «محاکمت» استنباط کرد (غمامی و محسنی، ۱۳۹۲، ۲۶۴-۲۶۵).

کمیسیون ماده صد قانون شهرداری، مقرره‌ای در این خصوص ندارد. به عبارتی، هیچ حکمی درخصوص علنی بودن رسیدگی‌های کمیسیون ماده صد قانون شهرداری نفیاً یا اثباتاً در مقررات مربوطه یافت نمی‌شود. با توجه به عدم حضور طرفین به‌عنوان ذینفع دعوا در جلسات رسیدگی، با توسل به قیاس اولویت می‌توان گفت که به طریق اولی حضور سایر افراد نیز در آن جلسات مجاز نبوده و رسیدگی‌ها غیرعلنی می‌باشند و البته در عمل نیز چنین بوده و عموم حق حضور در جلسات رسیدگی این مراجع را ندارند. با توجه به منظم

بودن برگزاری جلسات رسیدگی کمیسیون ماده صد شهرداری، لازمه حضور عموم در جلسات رسیدگی، اعلان عمومی وقت رسیدگی جهت آگاهی عموم از آن است و این امر نیز از مراجع رسیدگی ساخته است که البته مطابق قوانین موجود مکلف به این کار نیستند. لذا عدم وجود چنین تکلیفی در قوانین مربوطه خود حکایت از این دارد که قانون‌گذار حضور عموم را در جلسات رسیدگی این کمیسیون ماده صد شهرداری لازم نداشته و غیرعلنی بودن رسیدگی‌ها را در آن‌ها پذیرفته است. به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که رسیدگی در کمیسیون مورد اشاره غیرعلنی و برخلاف اصل علنی بودن رسیدگی است. به عبارت دقیق‌تر غیرعلنی بودن رسیدگی در کمیسیون ماده صد به‌طور واضح نقض اصول منصفانه دادرسی محسوب می‌گردد.

۵-۳-۳. استقلال و بی‌طرفی

استقلال یک نهاد زمانی محقق می‌شود که نهاد مزبور در انجام «موضوع فعالیت» خود وابسته به نظر نهاد یا نهادهای تشکیل‌دهنده نباشد. یکی از مهمترین موضوعات چالشی و بحث‌برانگیز مراجع اختصاصی اداری، تعیین اعضاء این مراجع است. زیرا اعضاء مراجع مورد اشاره با استقلال آنها ارتباط دارد. انتخاب اعضاء باید به‌گونه‌ای باشد که آراء صادر از سوی آنها را تحت تأثیر قرار ندهد. ماده ۷ ق.آ.د.م نیز در این خصوص مقرر داشته است: «هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن

جلوگیری کند مگر دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده است». با توجه به مراتب فوق، اگر استقلال دادرسی زیر پا نهاده شود، بی‌طرفی وی نیز خدشه‌دار می‌گردد. لذا یکی از تضمینات بی‌طرفی قاضی، استقلال وی می‌باشد. استقلال مرجع رسیدگی‌کننده در دو بعد یعنی استقلال اعضای مرجع (استقلال شخصی) و استقلال ساختار آن از دستگاه اجرایی مربوط (استقلال سازمانی) باید مورد توجه قرار گیرد (یاوری، ۱۳۸۳، ۲۷۸)؛ استقلال شخصی اعضای مراجع مستلزم این است که اعضای این مراجع نه توسط دستگاه اجرایی مربوطه، بلکه توسط مرجع مستقلی نصب گردیده و از اصل منع عزل نیز به جز در صورت اثبات تخلفات برخوردار بوده و در نتیجه به دور از اصل سلسله‌مراتب اداری بتوانند با فراغ خاطر و به دور از فشار مقامات اداری به دعاوی رسیدگی نمایند.

بی‌طرفی نیز بدین معنا است که نهاد رسیدگی‌کننده در رسیدگی خود، پیش‌داوری نکرده و اجازه ندهد جریان رسیدگی به سود منافع خود یا دیگری تحت تأثیر واقع شود (هاشمی، ۱۳۸۲، ۳۷۲-۳۶۹). منظور از بی‌طرفی عدم انجام اعمالی است که در اثر آن احتمال پیروزی یکی از طرفین دعوا بیش از طرف دیگر گردد (غمامی و محسنی، ۱۳۹۲، ۲۶۴-۲۶۵). برخی از مقررات آیین دادرسی مدنی، در جهت تضمین اصل مذکور و حفظ بی‌طرفی قاضی می‌باشد. برخی دیگر از این مقررات با اینکه تأمین‌کننده اهداف دیگر قانون‌گذار می‌باشد لکن در صورت رعایت آن‌ها علاوه بر تأمین

اهداف موردنظر، به‌طور ضمنی و غیرمستقیم بی‌طرفی قاضی نیز تضمین می‌شود. برای مثال می‌توان به ماده ۲۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «دادگاه نمی‌تواند گواه را به ادای گواهی ترغیب یا از آن منع یا او را در کیفیت گواهی راهنمایی یا در بیان مطالب کمک نماید، بلکه فقط مورد گواهی را طرح نموده و او را در بیان مطالب خود آزاد می‌گذارد» این ماده به‌طور مستقیم بی‌طرفی قاضی را تضمین می‌کند و ماده ۲۰۱ قانون مارالذکر که مقرر می‌دارد: «تاریخ و محل رسیدگی (ادله) به طرفین اطلاع داده می‌شود...» باینکه به‌طور مستقیم تضمین‌کننده تناظری بودن دادرسی است اما به‌طور ضمنی و غیرمستقیم، بی‌طرفی قاضی را نیز تضمین کرده است.

طبق ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، کمیسیون‌ها متشکل از یکی از اعضای شورای شهر به انتخاب شورای شهر، نماینده وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری به تخلفات ساختمانی در محدوده شهر و یا حریم آن رسیدگی می‌کنند. ظاهراً اعضای کمیسیون‌ها هر یک از مراجع خاص تعیین می‌شوند (محمودی، ۱۳۸۶، ۶۷). اما اعضای این کمیسیون از مصونیت شغلی برخوردار نبوده و مقامات نصب‌کننده به راحتی می‌توانند آن‌ها را عزل کنند. استقلال کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ شهرداری زمانی محقق می‌شود که کمیسیون‌ها در انجام موضوع فعالیت خود وابسته به نظر نهاد یا نهادهای تشکیل‌دهنده خود نباشد.

بر این اساس آراء کمیسیون ماده صد شهرداری را نمی‌توان توأم با بی‌طرفی دانست، چرا که از لحاظ ماهوی قضات این دادگاه‌ها مستقل نیستند و دارای وابستگی به شهرداری و نهادهای انتخاب‌کننده هستند. نکته مهم دیگر آن است که کمیسیون ماده صد شهرداری که زیر نظر شهرداری به صدور رأی می‌پردازد، در حقیقت به‌عنوان طرف دعواست؛ این بدان معناست که شهرداری به‌عنوان یکی از طرفین دعوا، خود در مقام قضاوت می‌نشیند و این امر مخالف اصول دادرسی منصفانه می‌باشد.

در مراجع اختصاصی اداری مانند کمیسیون ماده صد قانون شهرداری که خارج از سازمان قضایی تشکیل می‌گردند، از نظر تشکیلات سازمانی به سازمان‌ها و نهادهایی مانند شهرداری وابسته هستند و این در حالی است که خود شهرداری طرف دعوا محسوب می‌شود. این خصوصیت کمیسیون ماده صد، می‌تواند ناقض استقلال آن باشد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۵، ۶۰-۵۵). همچنین امکانات دفاعی طرفین نیز متفاوت است؛ چرا که یکی از طرفین دعوا شهرداری است که خود ذینفع محسوب می‌گردد و در مقام قضاوت نیز قرار دارد و بنابراین برابری اصحاب دعوی از نظر سلاح نیز در این کمیسیون‌ها رعایت نمی‌گردد. علاوه بر این، یکی از موضوعاتی که می‌تواند موجب عدم استقلال قضات رسیدگی‌کننده در کمیسیون‌های ماده صد شهرداری گردد وابستگی‌های مالی اعضای صاحب حق رأی به شهرداری می‌باشد. شهرداری به‌عنوان یکی از طرفین دعاوی مربوط به تخلفات ساختمانی، خود تأمین‌کننده منابع مالی قضات این

فرصت مناسب جهت دادرسی در اختیار طرفین قرار دارد اما درخصوص اصل تناظر با توجه به عدم حضور خواننده در جلسه دادرسی نمی‌توان گفت که چنین اصلی در دادرسی کمیسیون ماده صد شهرداری رعایت می‌شود زیرا شرط اولیه زمینه‌ساز تحقق اصل تناظر این است که خواننده و خواهان بتوانند در جلسه دادرسی حضور داشته باشند.

۵-۳-۵. حق تجدیدنظرخواهی

به نظر می‌رسد در قریب به اتفاق سیستم‌های حقوقی، الزامات مربوط به رعایت حق دسترسی به دادگاه به مرحله تجدیدنظر نیز تسری خواهد یافت، به بیان دیگر قانون‌گذار با پیش‌بینی تجدیدنظرخواهی امکان دسترسی به مرجع تجدیدنظر را نیز فراهم کرده است (یاوری، ۱۳۸۳، ۲۷۵). این اصل از اصول دادرسی منصفانه از چنان اهمیتی برخوردار است که هم در مراجع قضایی باید رعایت شود و هم در مراجع اختصاصی اداری. زیرا در هر دو مورد، این اصل موضوعیت داشته و ضامن سلامت رسیدگی در مراجع بدوی است. بنابراین نیاز به تضمین دیگر در جهت جلوگیری از انحراف از قانون یا رفع اشتباه احتمالی در تکمیل تضمینات دادرسی منصفانه در مراجع اختصاصی اداری شبه حقوقی می‌باشد که باید به موجب قوانین مربوطه تأمین گردد. این اصل همان امکان تجدیدنظرخواهی طرفین نسبت به آرای صادره از آن مراجع می‌باشد. پذیرش حق تجدیدنظرخواهی به‌عنوان یکی از عناصر دادرسی منصفانه به موجب قانون مستلزم وجود یک مرجع بالاتر نسبت به

هیئت‌ها می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که رسیدگی صورت گرفته در این هیئت‌ها با اصول منصفانه دادرسی، ازجمله استقلال قضات نیز تعارض دارد و محل اشکال است.

۵-۳-۴. حق برخورداری از مهلت دفاع و اصل تناظر

یکی دیگر از شرایط دادرسی منصفانه این است ضمن اینکه رأی در مهلت و زمان معقول صادر شود اصل تناظر نیز رعایت گردد (متین‌دفتری، ۱۳۹۴، ۶۱۰). بنابر اصل مذکور، زمان دادرسی نباید به اندازه‌ای طولانی شود که باعث اطاله دادرسی گردد و همچنین نباید آن قدر کوتاه باشد به دقت و عدالت در دادرسی لطمه وارد سازد. همچنین لازم است شرایط و بسترهای لازم به منظور دفاع از سوی طرفین فراهم گردد (محسنی، ۱۳۹۳، ۳۴). اصل تناظر در هیچ‌یک از قوانین ایران به وضوح مورد اشاره قرار نگرفته است (شمس، ۱۳۸۱، ۶). با این حال بند ۳ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «عدم رعایت اصول دادرسی و حقوق اصحاب دعوا در صورتی که به درجه‌ای از اهمیت باشد که رأی را از اعتبار قانونی بیندازد» باعث نقض رأی فرجام‌خواسته می‌شود. هر چند ماده مورد اشاره درخصوص فرجام‌خواهی است اما قابل تعمیم به سایر طرق شکایت از جمله تجدیدنظرخواهی نیز هست. به نظر می‌رسد این امر درخصوص کمیسیون ماده صد قانون شهرداری نیز مصداق دارد. از جهت فرصت کافی شاید بتوان گفت که با توجه به اصل تسریع در مراجع اختصاصی اداری،

مرجع بدوی به منظور بررسی مجدد کامل موضوع پرونده توسط آن مرجع می‌باشد (ویسبراد، ۱۳۸۶، ۲۱۹).

طبق تبصره ۸ ماده صد قانون شهرداری الحاقی ۱۳۵۶: «در مورد آرای صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری هرگاه شهرداری یا مالک یا قائم مقام او از تاریخ ابلاغ رأی ظرف مدت ده روز نسبت به آن رأی اعتراض نمایند، مرجع رسیدگی به این اعتراض کمیسیون دیگر ماده ۱۰۰ خواهد بود که اعضاء آن غیر از افرادی باشند که در صدور رأی قبلی شرکت داشته‌اند». بنابراین، در خصوص آرای صادره از این کمیسیون تجدیدنظرخواهی مورد توجه قانون گذار واقع شده است. اما باید توجه داشت، کمیسیون‌های تجدیدنظر شهرداری نیز اگرچه دارای اعضای متفاوتی از هیئت‌های بدوی است، اما دو مرجع می‌توانند به یکدیگر وابسته باشند. هیئت بدوی و تجدیدنظر که برای رسیدگی به تخلفات ساختمانی توسط مراجع ذیصلاح مشخص می‌گردند، در هر زمانی می‌توانند تغییر کنند. به عنوان مثال این امکان وجود دارد که شخصی به عنوان نماینده شورای شهر در رسیدگی به پرونده‌ای حضور داشته باشد و پس از مدتی همان فرد در کمیسیون تجدیدنظر منصوب گردد و به همان پرونده مشابه در کمیسیون تجدیدنظر رسیدگی نماید. با توجه به این امر می‌توان گفت که رسیدگی‌های انجام گرفته در این صورت دارای وجهت حقوقی نیستند، چراکه اشخاص دو هیئت رسیدگی کننده بدوی و تجدیدنظر یکسان هستند. ثابت نبودن اعضای هیئت‌های رسیدگی کننده نیز

می‌تواند ناقض اصول دادرسی منصفانه تلقی گردد. در نتیجه نمی‌توان گفت که کمیسیون تجدیدنظر مرجع متفاوت است و در حقیقت مرجعی همانند مرجع قبلی، وابسته می‌باشد و به همین دلیل نمی‌تواند متضمن دادرسی منصفانه باشد.

با توجه به آنچه بیان گردید می‌بایست گفت که اصول دادرسی منصفانه در برخی موارد در رسیدگی‌های کمیسیون ماده صد شهرداری‌ها رعایت نمی‌گردد. در کمیسیون ماده صد به طور دقیق دارای آیین دادرسی خاصی نمی‌باشد و همین موجب می‌گردد تا در بیشتر مواقع در زمینه آیین دادرسی به قواعد موجود در قانون آیین دادرسی مدنی ارجاع گردد. این امر موجب می‌گردد تا تعارضاتی در زمینه آیین دادرسی در کمیسیون‌ها ایجاد گردد. عدم وجود آیین دادرسی برای رسیدگی به پرونده‌ها در کمیسیون ماده صد نیز به عنوان یکی از موارد نقض دادرسی منصفانه و عادلانه می‌باشد، چرا که وجود قواعد شفاف و مشخص آیین دادرسی مدنی از استبداد و خودرأیی قضات جلوگیری می‌نماید و فرصت‌های برابری را در مقابل طرفین دعوی قرار می‌دهد.

عدم تعیین مرجع خاص برای رسیدگی به تخلفات اداری اعضا از دیگر خلاءهای کمیسیون ماده صد شهرداری است. در هریک از دادگاه‌های دادگستری اگر قضات مرتکب تخلف گردند، مراجع و دادگاه‌های صالحی برای رسیدگی به تخلفات آن‌ها وجود دارد که می‌توانند در صورت اثبات تخلف، شخص خاطی را مجازات نمایند؛ اما در صورت تخلف عمدی اعضای کمیسیون ماده صد شهرداری

نیز مرجعی برای بررسی تخلفات آنها وجود ندارد، مگر آنکه هر یک از اشخاص معرفی شده توسط وزارت کشور، شورای شهر یا قوه قضائیه در سازمان‌های متبوعه خود مورد دادرسی قرار گیرند که این امر نیز با توجه به عدم رابطه استخدامی برخی از اعضا غیرممکن به نظر می‌رسد و همین امر می‌تواند موجب تخلفات قضات این هیئت‌ها گردد.

۶. نتیجه

دادرسی منصفانه یکی از مسائل بنیادی برای حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر به شمار می‌رود. کمیسیون ماده صد شهرداری براساس قانون شهرداری‌ها به‌عنوان مرجع صالح در جهت رسیدگی به تخلفات ساختمانی در نظر گرفته شده است که این مرجع می‌تواند براساس قواعد موجود به بررسی این تخلفات بپردازد. طرفین دعوی نیز می‌توانند از آراء کمیسیون بدوی به کمیسیون تجدیدنظر اعتراض نمایند و در نهایت نیز آراء قطعی این کمیسیون می‌تواند در دیوان عدالت اداری مطرح گردد تا بدین وسیله مورد بررسی قرار گیرد.

می‌توان گفت که کمیسیون ماده صد شهرداری دارای ضعف‌های متعددی از نظر رعایت اصول دادرسی منصفانه می‌باشد یکی از اساسی‌ترین ضعف‌های دادرسی از منظر منصفانه بودن در کمیسیون ماده صد شهرداری‌ها عبارت است از وابستگی مالی و استخدامی اعضای شورا به شهرداری و دولت. این امر موجب نقض استقلال

قضات می‌گردد. همچنین رسیدگی‌های انجام گرفته در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر دارای آیین دادرسی مشخصی نیستند که این امر نیز می‌تواند موجب تضییع حقوق اشخاص گردد. هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر در کمیسیون ماده صد شهرداری‌ها دارای اعضای غیرثابت هستند و همین امر ممکن است موجب شود تا یک قاضی هم در مرحله بدوی و هم در مرحله تجدیدنظر اقدام به صدور رأی نماید. کمیسیون ماده صد شهرداری که زیر نظر شهرداری به صدور رأی می‌پردازد، در حقیقت به‌عنوان طرف دعواست؛ این بدان معناست که شهرداری به‌عنوان یکی از طرفین دعوا، خود در مقام قضاوت می‌نشیند و این امر مخالف اصول دادرسی منصفانه می‌باشد. همچنین امکانات دفاعی طرفین نیز در رسیدگی‌های کمیسیون متفاوت است؛ چراکه یکی از طرفین دعوا شهرداری است که خود ذینفع محسوب می‌گردد و در مقام قضاوت نیز قرار دارد و بنابراین برابری اصحاب دعوی از نظر سلاح نیز در این کمیسیون‌ها رعایت نمی‌گردد. همچنین باید گفت که پس از تشکیل کمیسیون ماده صد، گزارش فنی و توجیهی شهرداری و تهیه گزارش به وسیله دبیر کمیسیون نیز تأثیر مهمی در رأی اعضای کمیسیون دارد. با این توضیح که کمیسیون ماده صد شهرداری براساس نظر فنی و تهیه گزارش به وسیله دبیر کمیسیون موضوع را بررسی و رأی صادر می‌کند و اگر متخلف اعتراضی داشته باشد مجدداً همان مأمورین شهرداری تخلف را کارشناسی می‌کنند و این با اصول دادرسی منصفانه منطبق نیست.

به مسئله عدم حضور ذینفع در جلسه رسیدگی نیز می‌توان اشاره نمود. مطابق تبصره ۱ ماده ۱۰۰ متخلف صرفاً باید لایحه ارسال کند ولی نماینده شهرداری برای ادای توضیح حاضر شود کما اینکه نماینده شهرداری همان مأمور فنی و یا دبیر کمیسیون می‌باشد که عملاً حق حضور از یک طرف سلب و به طرف دیگر داده می‌شود که این امر مخالف اصول دادرسی منصفانه است و در نهایت آنکه جلسات کمیسیون به صورت علنی تشکیل نمی‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که عدم حق حضور ذینفع در دادرسی و همچنین غیرعلنی بودن رسیدگی در کمیسیون ماده صد به طور واضح نقض اصول منصفانه دادرسی محسوب می‌گردد. از طرفی با توجه به اینکه شهرداری خود طرف دعوی در موضوع رسیدگی در کمیسیون می‌باشد حضور یکی از اصحاب دعوی به عنوان مجری حکم برابری سلاح اصحاب دعوا را به شدت خدشه‌دار می‌نماید. مضافاً اینکه طبق تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری کلمه اعلام و ابلاغ به طور مطلق ذکر شده ولی چگونگی ابلاغ آن و نحوه ابلاغ را ذکر نکرده است، هرچند که مشخص می‌باشد رعایت مقررات آیین دادرسی مدنی برای شهرداری در خصوص ابلاغ و اعلام الزامی نمی‌باشد، حال اگر این ابلاغ رأی به دست متخلف نرسد تا به رأی صادره اعتراض نماید شهرداری خود اقدام به تخریب ملک می‌کند که این حق شخص را ضایع می‌کند و اگر در آن پیش‌بینی شود بسیار مناسب‌تر بود، اما طبق عرف و رویه در صورت نبود قانون، باید طبق آیین دادرسی مدنی عمل شود. یکی دیگر از مشکلات در

کمیسیون ماده ۱۰۰ طبق تبصره ۱ آن و استنباط از این تبصره مشخص می‌شود که هر یک از این دو هیئت بدوی و تجدیدنظر می‌تواند مختلط باشد، مثلاً هیئت بدوی گاهی به پرونده تجدیدنظر رسیدگی می‌کند و هیئت تجدیدنظر به پرونده بدوی رسیدگی می‌کند. حال این امر باعث صدور آراء متناقض از دیوان می‌شود و اگر این اتفاق در دادگاه‌ها رخ دهد حقوق مردم تضییع می‌گردد و این کار باعث از بین رفتن دادرسی منصفانه می‌گردد. با توجه به موارد مطروحه می‌توان گفت که رسیدگی‌هایی که در کمیسیون ماده صد شهرداری انجام می‌گیرد از نظر رعایت اصول دادرسی منصفانه دارای ضعف‌های فراوانی می‌باشد و همین امر موجب می‌گردد بتوان این‌گونه اظهار نظر نمود که قوانین راجع به این رسیدگی‌ها نیاز به تغییراتی دارند.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- امامی، محمد، «مبانی نظری مراجع شبه قضایی و جایگاه قانونی آن‌ها در حقوق ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره دوم، ۱۳۸۳.
- انوری، حسن، فرهنگ روز سخن، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ششم، چاپ نهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، فرهنگ متوسط دهخدا، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- سنگلجی، محمدرضا، آیین دادرسی در اسلام، چاپ اول، قزوین، انتشارات طه، ۱۳۶۹.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته) جلد نخست، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۹۴.
- شمس، عبدالله، ادله اثبات دعوا، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۱.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری تطبیقی، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۵.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹.
- غفوری، فرشاد، جعفری، آیدا، کمیسیون ماده صد قانون شهرداری و عملکرد آن در نظام حقوقی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات آریا دانش، ۱۳۹۷.
- غمامی، مجید، محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ ششم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
- فضائی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷.
- کیانوش، حسن، واژه‌های برابر فرهنگستان ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
- گرجی، علی‌اکبر، «مبانی حقوق عمومی»، چاپ اول، تهران، نشر جنگل، ۱۳۸۸.
- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
- محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی، چاپ سوم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳.

- محسنی، حسن، «اجرای مؤثر» رأی مدنی (مفهوم، راهکارها و موانع)، فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره چهارم، ۱۳۹۱.
- محمدی، امید، کمیسیون شهرداری - کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری - کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری - کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۶.
- محمودی، جواد، «ضمانت اجرای آرای صادره از دیوان عدالت اداری»، پایان نامه دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
- مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فنسازان، ۱۳۹۲.
- نرگسیان، محمد، نظری، اسفندیار، «بررسی کمیسیون ماده صد قانون شهرداریها، چالش های موجود و راهکارهای برون رفت از آن (با تکیه بر
- آرای دیوان عدالت اداری)»، مجله مطالعات حقوق، شماره هفدهم، ۱۴۰۰.
- ویسبراد، دیوید، دادرسی عادلانه، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- هداوند، مهدی، «دادگاه های اختصاصی اداری در حقوق اداری ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۷۸.
- یآوری، اسدالله، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، نشریه حقوق اساسی، شماره سوم، ۱۳۸۳.

منابع لاتین

- Mole, N., Chtharina H. The right to a fair trial, human rights handbook, council of Europe, 6th edition, 2006.